

تأثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سحر سپاسی^۱

زهرا فتحی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱

چکیده

مالیات یکی از عوامل انگیزشی در بسیاری از تصمیم‌گیری‌هاست. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند فعالیت‌های مدیریت منحصراً در جهت کاهش مالیات شرکت از طریق سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی می‌باشد. به منظور بررسی این امر در این پژوهش رابطه برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی همچون (نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره) بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه مورد بررسی شامل ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۰، و روش آماری مورد استفاده، مدل رگرسیون لجستیک است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره، تأثیر معناداری بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی ندارد. اما این درحالی است که وضعیت مالیاتی و نسبت بازده دارایی‌ها به ترتیب رابطه‌ای منفی و مثبت با سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی دارند.

واژه‌های کلیدی: ساختار هیأت مدیره، سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی، حاکمیت شرکتی.

۱- استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) sepasi@modares.ac.ir

۲- کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۱- مقدمه

از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها، هزینه‌های مالیات بر درآمد می‌باشد و معمولاً شرکت‌ها آنرا به عنوان هزینه‌ای که نباید پرداخت نمایند، تلقی می‌کنند. لذا سعی در کاهش این هزینه دارند و در شناسایی هزینه‌ها و درآمدهای شرکت‌ها نهایت جانبداری را می‌نمایند تا مالیات کمتری به دولت پرداخت نمایند و به تبع نقدینگی کمتری را از شرکت خارج نمایند.

سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات، فعالیت‌هایی هستند که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نمایند؛ از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام‌داران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد، لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی تقلیل‌دهنده از جمله خط مشی‌هایی است که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و هم‌چنین چنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد.

ارتباط و تاثیر هزینه‌های مالیات و سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی از دیدگاه تئوری نمایندگی نیز تفسیر و تعبیر می‌شود؛ بطوری‌که هیأت مدیره همواره بدنبال منافع خود و حداکثر سازی آن است و الزاماً در جهت منافع سهامداران و دولت نیست، لذا ممکن است در حوزه مالیاتی با اتخاذ سیاستی تقلیل‌دهنده خاص مبادرت به ایجاد هزینه‌هایی برای سهامداران نماید. از آنجا که بازار سهام همواره نسبت به اعمال معافیت‌های قانونی قوانین مالیات برای شرکت‌ها واکنش مثبت نشان داده است، اتخاذ سیاست‌های مالیاتی که در راستای منافع سهامداران نباشد موجب تحمیل هزینه‌هایی تحت عنوان هزینه‌های کارگزاری خواهد

شد و عکس‌العمل بازار اوراق بهادار را به دنبال خواهد داشت. تحقیقات مختلفی در خارج کشور در این خصوص انجام شده که همگی مؤید واکنش بازار سهام نسبت به این نوع سیاست‌ها می‌باشد (گارباینو (۲۰۰۸)، اسلمرود (۲۰۰۹)، چن، چنگ و شاولین (۲۰۱۰)، استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱)، لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) و اوسیمک (۲۰۱۱)). آیا فعالیت‌های مدیریت از طریق سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی به نحوی است که موجب کاهش مالیات شرکت شود یا خیر؟ به عبارتی آیا ساختار اعضای هیات مدیره بر سیاست‌های متهورانه مالیاتی تاثیر معناداری دارد؟ از اینرو، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی می‌باشد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه‌ی پژوهش

سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی فعالیت‌هایی است که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نماید. از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام‌داران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد، لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی (متهورانه یا محافظه‌کارانه) از جمله خط مشی‌هایی هست که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد. بازار سهام همواره نسبت به اعمال معافیت‌های قانونی قوانین مالیات برای شرکت‌ها واکنش مثبت نشان داده است بدین ترتیب این سیاست‌ها می‌تواند از جنبه هزینه‌های نمایندگی و

نیز با اهمیت‌تر نمایان می‌شود و آن‌ها می‌توانند سیاست‌های مالیاتی را به نحوی انتخاب نمایند که هزینه‌های نمایندگی خود را بر سهامداران تحمیل نمایند.

دسای و هارماپلا^۱ (۲۰۰۶) به بررسی نقش آثار بازخورد میان معافیت مالیاتی و رفتارهای گوناگون مدیریتی در تعیین چگونگی و نحوه تأثیرگذاری انگیزه‌های بالای مدیران بر تصمیمات فرار مالیاتی پرداختند. وی بیان می‌نماید افزایش در انگیزه‌های جبرانی و تشویقی منجر به کاهش سطح معافیت مالیاتی می‌شود به گونه‌ای که مطابق و سازگار با رابطه مکمل میان تنوع و فرار مالیاتی است. این اثر منفی، در وهله اول ناشی از وجود تدارکات و الزامات ضعیف نظام راهبری در شرکت است. هم‌چنین نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد شکاف‌های مالیات و ارزش دفتری در ارتباط با نرخ‌ها و بازده‌های غیرعادی منفی مکرر هستند. دایرنگ و همکاران^۲ (۲۰۰۸) معیار جدیدی برای مدیریت و اداره طولانی‌مدت ترفندهای مالیاتی شرکت‌ها تدوین کردند که بر اساس توانایی شرکت‌ها در پرداخت مبالغ اندک هر دلار مالیات نقدی از سود قبل از کسر مالیات در دوره‌های زمانی طولانی‌مدت است. که این معیار را نرخ مؤثر مالیاتی نقدی طولانی مدت نامگذاری کرده‌اند و در پاسخ به این‌که تا چه اندازه بعضی از شرکت‌ها قادر به اجتناب از پرداخت مالیات در دوره‌های طولانی مدت تا ۱۰ سال هستند و چگونه نرخ‌های مالیاتی یکساله برای ترفندهای مالیاتی طولانی مدت، قابلیت پیش‌بینی دارد؛ از آن استفاده نمودند. نتایج پژوهش وی حاکی از اینست که نرخ‌های مؤثر مالیات تعهدی سالانه، از قابلیت پیش‌بینی خوبی برای نرخ‌های مؤثر مالیات تعهدی طولانی مدت برخوردار نبوده و بنابراین نماینده خوب و مناسبی برای ترفندهای مالیاتی طولانی مدت نیستند. بعضی از شواهد نشان از ایستادگی و ثبات نرخ‌های

تئوری نمایندگی نیز مورد توجه و تأکید قرار گیرد اتخاذ سیاست‌های مالیاتی که در راستای منافع سهامداران نباشد، موجب تحمیل هزینه‌هایی تحت عنوان هزینه‌های کارگزاری خواهد شد و عکس‌العمل بازار اوراق بهادار را به دنبال خواهد داشت (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

از سویی دیگر مدیران ارشد شرکت (هیات مدیره) به عنوان مهم‌ترین رکن شرکت که انواع تصمیمات مالی و مالیاتی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند بر سیاست‌های مالیاتی (از نوع متهورانه یا محافظه-کارانه) تأثیرگذار باشند. با توجه به الزام حسابرسی مالیاتی توسط حسابرسان مستقل به موجب ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم و انتخاب (پیشنهاد) حسابرسان مستقل توسط هیات مدیره و تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام، هیات مدیره می‌تواند بر میزان هزینه‌های غیر قابل قبول مالیاتی و نیز انواع معافیت‌های مالیاتی و تأخیر در پرداخت‌های مالیاتی و هم‌چنین اظهار نظر آن‌ها در خصوص مالیات بر ارزش افزوده بر حسابرسان اعمال نظر نموده و هر آنچه که خود مد نظر دارند را از طریق حسابرسان مالیاتی تاییدیه بگیرند و با توجه به فرجه زمانی پیش-بینی شده در قانون مالیات‌ها برای رسیدگی و صدور برگه تشخیص مالیاتی و امکان تجدید نظر و تشکیل شورای حل اختلاف، مودیان شرکت‌ها می‌توانند در نقدینگی خود صرفه‌جویی زیادی به عمل آورند و از این موارد در شرکت‌ها بسیار زیاد است. آن‌ها هم‌چنین می‌توانند میزان درآمدها و هزینه‌های قابل محاسبه برای تعیین مالیات در سال‌های مختلف را دستکاری نموده و موجب انتقال هزینه‌های مالیاتی به دوره‌های آتی گردند واز آنجا که تعیین حسابرس مستقل و حسابرس مالیاتی موضوع ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌ها در ایران با پیشنهاد هیات مدیره در مجامع عمومی مورد تصویب قرار می‌گیرند، لذا تأثیر آن‌ها

در ایران باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها پرداخته‌اند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی (درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت‌مدیره، نقش دوگانه رئیس هیأت‌مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل و سهامداران نهادی) با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است. این در حالی است که در هر گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

در تلاش برای ارزیابی تأثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی، با توجه به یافته‌های لنیس و ریچاردسون^۱ (۲۰۱۱) در بررسی اثرات ترکیب هیأت‌مدیران بر اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی، فرضیه‌هایی به شرح زیر طراحی و مورد آزمون قرار گرفت:

فرضیه اول: نسبت اعضای موظف هیأت‌مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: نسبت تغییرات رئیس هیأت‌مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: نقش دوگانه رئیس هیأت‌مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

مؤثر مالیات تعهدی سالانه دارد. نرخ‌های پایین مؤثر مالیات تعهدی سالانه بسیار باثبات‌تر از نرخ‌های بالای مؤثر مالیات تعهدی سالانه هستند. آرمسترانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۰) به مطالعه انگیزه‌های برنامه‌ریزی مالیاتی با استفاده از یک مجموعه از داده‌های سلسله‌مراتبی همراه با اطلاعات تشویقی و جبرانی مدیران اجرایی به بررسی روابط میان انگیزه‌های مدیران مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری و آثار تعهدی نرخ‌های مالیاتی و شکاف ارزش دفتری مالیات و معیارهای اندازه‌گیری اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی پرداختند. نتایج گویای اینست که انگیزه‌های جبرانی و تشویقی مدیران مالیاتی، رابطه منفی با نرخ مؤثر مالیاتی اصول پذیرفته شده حسابداری دارد، اما رابطه کمی با سایر نگرش‌ها و رفتارهای مالیاتی دارد. این نتایج را به صورت یک شاخص تفسیر نموده، بدین گونه که انگیزه‌های فراهم شده برای مدیران به منظور کاهش سطح هزینه مالیات گزارش شده در صورت‌های مالی است. لنیس و ریچاردسون^۴ (۲۰۱۱) به بررسی ارتباط بین سیاست تقلیل‌دهنده مالیات و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند؛ بر این اساس نمونه‌ای از ۴۰۸ شرکت طی سال‌های مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ در استرالیا را انتخاب نمودند. نتایج حاکی از وجود ارتباط منفی و معناداری بین افشا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی بود. لنیس و ریچاردسون^۵ (۲۰۱۱)، به بررسی اثرات ترکیب هیأت‌مدیران بر اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی پرداخت. بدین منظور ۳۲ شرکت که شامل ۱۶ شرکت دارای رفتارهای تقلیل‌دهنده و ۱۶ شرکت بدون رفتارهای تقلیل‌دهنده مالیاتی، به عنوان نمونه انتخاب نمودند و از طریق اجرای رگرسیون لاجیت برای نمونه انتخابی، بیان می‌نمایند وجود نسبت بالای از اعضای خارجی در هیأت‌مدیران، احتمال رفتارهای تقلیل‌دهنده مالیاتی را کاهش می‌دهد.

۴- روش‌شناسی و طرح پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های شبه تجربی و پس‌رویدادی است و با استفاده از اطلاعات گذشته انجام شده است. دوره زمانی این پژوهش ۵ سال، از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ و جامعه آماری این پژوهش نیز متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا ابتدای سال ۱۳۸۷ است. برای این اساس، به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند. همچنین، طی دوره مورد بررسی فعالیت مستمر داشته و جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری نباشند. هم‌چنین، کلیه اطلاعات مدیریتی و مالی مورد نیاز، از جمله یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی نیز در دسترس باشد. در نهایت با توجه به معیارهای ذکر شده، تعداد ۹۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۱ برای انجام این پژوهش انتخاب شده است. اطلاعات مربوط به نقش هیأت مدیره شرکت‌ها از وب سایت بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار تدبیرپرداز استخراج شد. سایر متغیرهای پژوهش با استفاده از داده‌های ترازنامه و صورت سود و زیان شرکت‌ها استخراج شده است. برای آماده‌سازی متغیرها از نرم‌افزار Excel و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از نرم‌افزار آماری Spss استفاده می‌گردد.

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون لجستیک پلکانی تحلیل می‌گردند. در این مدل برای ورود متغیرها به رگرسیون، در ابتدا کار با مدلی آغاز می‌شود که فقط دارای مقدار ثابت است و هیچ متغیر مستقلی در آن وارد نمی‌شود. سپس تمام متغیرهای مستقل وارد مدل شده و اثر آن بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. متغیرهایی که سطح معنادار آن‌ها بالاتر از سطح مورد نظر است از مدل خارج شده و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که سطح خطا به ۱۰٪

برسد. این پژوهش از یک طبقه‌بندی دو وجهی برای تقسیم شرکت‌های مورد بررسی به دو گروه شرکت‌های استفاده‌کننده از سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی و شرکت‌های بدون سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، استفاده شده است. به منظور تبیین سیاست تقلیل‌دهنده شرکت، از مدل مطرح شده توسط لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱) استفاده می‌شود. ارزیابی کلی این الگو، با استفاده از آماره احتمال درست‌نمایی، شاخص‌های R^2 کاکس-اسنیل^۷ و R^2 ننگلرک^۸ استفاده می‌شود. ارزیابی ضرایب جزئی الگو از آماره والد و نسبت شانس هر یک از متغیرهای مورد بررسی صورت می‌گیرد (پنگ^۹ و همکاران، ۲۰۰۲، ۶-۵). با توجه به این مطالب، برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از الگوی رگرسیون لجستیک چندمتغیره به روش پلکانی به شرح زیر استفاده شده است:

$$\ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right) = \alpha + \beta_1(EB)_{it} + \beta_2(BC)_{it} + \beta_3(DC)_{it} + \beta_4(OP)_{it} + \beta_5(T)_{it} + \beta_6(ROA)_{it} + \beta_7(Leve)_{it} + \beta_8(TO)_{it} + \varepsilon_i$$

که در این رابطه داریم:

EB^{۱۱}: نسبت هیأت مدیره موظف

BC^{۱۱}: نسبت تغییرات هیأت مدیره

DC^{۱۲}: تفکیک و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره

OP^{۱۳}: نوع اظهار نظر حسابرس مستقل

T^{۱۴}: وضعیت مالیاتی شرکت‌ها

ROA: نسبت بازده دارایی‌ها

LEVE: نسبت اهرمی شرکت‌ها

TO^{۱۵}: نوع مالکیت شرکت‌ها

ε: انحراف تصادفی

β: میزان تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر

TAG^{۱۶}

β₀: عرض از مبدأ خط رگرسیون

۵- متغیرهای پژوهش

۵-۱- متغیر مستقل

در این پژوهش، سه متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است، نسبت هیأت مدیره موظف (تعداد اعضای هیأت مدیره موظف شرکت تقسیم بر تعداد کل اعضای هیأت مدیره)، نسبت تغییرات هیأت مدیره (تقسیم تعداد هیأت مدیره تغییر یافته در هر شرکت به تعداد کل هیأت مدیره شرکت) و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره (اگر رئیس هیأت مدیره همان مدیر عامل باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ به شرکت داده خواهد شد).

۵-۲- متغیر وابسته

در پژوهش حاضر، سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی (TAG) به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. که به منظور محاسبه آن ابتدا نرخ مؤثر مالیاتی و سپس متوسط نرخ مالیاتی صنعت محاسبه می‌شود که در ادامه این نرخ توضیح داده می‌شود: اگر نرخ مالیاتی هر شرکت نمونه < متوسط نرخ صنعت باشد؛ ارزش یک می‌گیرد (ارزش یک به معنای این است که شرکت دارای سیاست تقلیل دهنده مالیاتی می‌باشد).

اگر نرخ مالیاتی هر شرکت نمونه > متوسط نرخ صنعت باشد؛ ارزش صفر می‌گیرد. (ارزش صفر به معنای این است که شرکت دارای سیاست تقلیل دهنده مالیاتی نمی‌باشد) (چن و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۰، ۴۶-۴۱).
نرخ مؤثر مالیاتی: هزینه مالیات تقسیم بر سود قبل از مالیات شرکت‌ها (همان منبع).

متوسط صنعت نرخ مالیاتی: از طریق تقسیم نرخ مؤثر تمام شرکت‌های نمونه تقسیم بر تعداد شرکت‌ها محاسبه نموده

۵-۳- متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل دیگر عوامل احتمالی مؤثر بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی، با توجه به پژوهش‌های شلنیکس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱)، متغیرهای زیر به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است:

نوع اظهار نظر حسابرس مستقل: اگر اظهار نظر حسابرس مقبول باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت به آن عدد ۰ داده خواهد شد.

اهرم مالی: برای اندازه‌گیری آن از طریق تقسیم جمع بدهی‌های شرکت به جمع دارایی‌های شرکت در متوسط ۵ سال اقدام می‌شود.

نسبت بازده دارایی‌ها: برابر است با میانگین سود خالص به جمع دارایی‌های شرکت‌ها.

نوع مالکیت شرکت‌ها: اگر شرکت دولتی (بر اساس تعریف قانون محاسبات عمومی اگر بیشتر از ۵۰ درصد سهام شرکت به طور مستقیم یا غیر مستقیم متعلق به دولت باشد، دولتی تلقی می‌شود) باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ به آن داده خواهد شد.

وضعیت مالیاتی شرکت: اگر شرکت به برگه تشخیص مالیاتی اداره دارایی اعتراض ننموده بود، عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ به آن داده خواهد شد.

۶- نتایج پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه محاسبه و در جدول ۱ ارائه گردیده است. متذکر می‌شویم متغیر نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره از همان ابتدا از بررسی خارج شد، چرا که در شرکت‌های انتخابی در هیچ یک از موارد رئیس هیأت مدیره همان نقش مدیر عامل را ایفا نمی‌کرد. تعداد مشاهدات سال- شرکت

لازم به ذکر است اگر نرخ مالیاتی شرکتی بیش از متوسط نرخ صنعت باشد، در گروه شرکت‌های استفاده‌کننده از سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی طبقه‌بندی می‌شود.

بررسی کلی الگو

در جدول ۳ دیده می‌شود شاخص R^2 تگلرک در الگوی اول برابر ۰/۳۰۳ است که بیانگر قدرت پیش-بینی الگو ۰/۳۰۳ است. در الگوی آخر شاخص R^2 تگلرک ۰/۲۳۱ و بیانگر قدرت پیش‌بینی ۰/۲۳۱/۱ الگو است، یعنی ۰/۲۳۱/۱ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل رگرسیون لجستیک تبیین می‌شود. کای دو مدل در مرحله آخر برابر ۱۸/۰۱۶ بوده که سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر داشته و نشان‌دهنده برازش مناسبی است. صحت پیش‌بینی الگوی آخر در مجموع ۶۶/۳ است که ۲/۱ قوی‌تر از الگوی اول است.

براساس داده‌های نمونه ۹۷ شرکت بوده است. بررسی متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد به طور میانگین ۰/۳۴ از اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های عضو نمونه، موظف هستند، که بررسی این متغیر طی سال-های مختلف بیانگر ثبات میانگین آن طی سال‌های تحقیق است. از سوی دیگر درصد تغییرات هیأت مدیره به طور میانگین ۰/۱۳۹۱ است که بیشترین درصد تغییرات هیأت مدیره ۱ و کمترین این نسبت، صفر مربوط به زمانی است که تغییرات در هیأت مدیره صورت نگرفته است. همچنین بیشترین مقدار نوع مالکیت ۱ و کمترین آن صفر است که به ترتیب نشان‌دهنده شرکت‌های دولتی و خصوصی می‌باشد.

۲-۶- آمار استنباطی

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود بصورت خلاصه می‌توان گفت تقریباً ۰/۵۴٪ از شرکت-ها از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی استفاده نمی-کنند، در مقابل بطور تقریب ۰/۴۶٪ شرکت‌ها از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی استفاده می‌نمایند.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	سیاست تقلیل- دهنده مالیاتی	نسبت بازده دارایی‌ها	نسبت اهرمی	نوع اظهار نظر حسابرس مستقل	نسبت هیات مدیره موظف	نسبت تغییرات هیات مدیره	نوع مالکیت	وضعیت مالیاتی
تعداد مشاهدات	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷
میانگین	۰/۴۸۴۵	۱/۰۰۰۸	۰/۶۶۵۵	۰/۳۷۱۱	۰/۳۴	۰/۱۳۹۱	۰/۲۷۸۴	۰/۳۹۱۸
میانه	۰/۰۰	۰/۰۹۴۲	۰/۶۵۳۸	۰/۰۰۰	۰/۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
حداکثر	۱	۸۴/۰۷	۱/۰۷	۱	۱	۱	۱	۱
حداقل	۰	-۰/۱	۰/۳۲	۰	۰	۰	۰	۰
انحراف معیار	۰/۰۵۱	۰/۸۶۵۸۵	۰/۱۵۲۱	۰/۰۴۹۳۱	۰/۰۲۸۷۲	۰/۰۲۵۸۳	۰/۰۴۵۷۴	۰/۰۴۹۸۲

جدول ۲- تعداد و درصد شرکت‌های با سیاست تقلیل و بدون سیاست تقلیل

تعداد شرکت‌های مورد بررسی	تعداد شرکت‌های با TAG		درصد شرکت‌های با TAG	
	صفر	یک	صفر	یک
۹۷	۵۲	۴۵	۵۳/۶۱٪	۴۶/۳۹٪

جدول ۳- نتایج آماری آزمون تمام مشاهدات

مرحله اول	مرحله آخر	آماره‌های الگوی کلی
۲۴/۴۲۸	۱۸/۰۱۶	آماره کای مربع
۸	۲	درجه آزادی
۰/۰۲	۰/۰۰	معناداری
۱۰۷/۰۰۷	۱۱۳/۴۱۸	احتمال درست‌نمایی
۰/۲۲۷	۰/۱۷۳	R^2 کاکس-اسنیل
۰/۳۰۳	۰/۲۳۱	R^2 نگلکرک
۶۴/۲	۶۶/۳	صحت پیش‌بینی الگو

نتایج بررسی ضرایب جزئی الگو

به منظور تجزیه و تحلیل فرضیه‌های این پژوهش از نتایج آماری مربوط به ضرایب جزئی الگو و نسبت شناس استفاده می‌شود که برای مرحله اول و آخر در جداول ۴ و ۵ ارائه گردیده است. اندازه‌های معناداری ارائه شده در جدول ۴، حاکی از اینست که الگوی مرحله اول، تمامی هفت متغیر مورد بررسی را در بردارد و از بین این متغیرها، ضرایب متغیرهای نسبت بازده دارایی‌ها، نوع اظهار نظر حسابرس مستقل و وضعیت مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشند. علامت ضرایب مربوط به متغیرهای نسبت بازده دارایی‌ها، نوع اظهار نظر حسابرس مستقل به ترتیب نشان‌دهنده رابطه مثبت بین این متغیرها و احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و علامت ضریب متغیر مربوط به وضعیت مالیاتی

بیانگر رابطه منفی بین این متغیر و احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی است. هم‌چنین بررسی نسبت شناس مربوط به متغیرهای نسبت بازده دارایی‌ها، نوع اظهار نظر حسابرس مستقل بیانگر این است که با افزایش این متغیرها احتمال اقدام به استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی توسط شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

نتایج بررسی الگوی مرحله آخر که در جدول ۵ ارائه شده است، حاکی از اینست که ضرایب متغیرهای بازده دارایی‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. لازم به ذکر است که در الگوی آخر، شاخص وضعیت مالیات به رغم معنادار نبودن ضریب این متغیر از معادله حذف نشده است؛ زیرا طبق روش پلکانی حضور این متغیر می‌تواند به کاهش معنادار لگاریتم درست‌نمایی (افزایش کای-دو) کمک نماید.

جدول ۴- ضرایب جزئی به دست آمده در الگوی مرحله اول

آماره‌های الگو	مقدار ثابت	ROA	LEVE	حسابرس	مدیر موظف	تغییر مدیر	مالکیت	وضعیت مالیات
ضریب	-۲/۰۴۹	۸/۷۶۵	۰/۵۹۸	۰/۶۱۲	۱/۳۸۹	۰/۴۳۵	-۰/۰۵۸	-۰/۹۲۵
آماره والد	۱/۵۲۶	۵/۲۷	۰/۰۸۱	۱/۳۷۸	۲/۴۹۸	۰/۱۸۴	۰/۰۱۲	۳/۳۸۴
معناداری	۰/۲۱۷	۰/۰۲۲	۰/۷۷۶	۰/۰۲۴	۰/۱۱۴	۰/۶۶۸	۰/۹۱۲	۰/۰۶۶
نسبت شناس	۰/۱۲۹	۶۴۰۵/۲۰۴	۱/۸۱۹	۱/۸۴۴	۴/۰۱۲	۱/۵۴۵	۰/۹۴۴	۰/۳۹۷

های دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، نسبت بازده دارایی بالاتری دارند.

با توجه به آماره والد و سطح معناداری مربوط به آن، متغیر نسبت بازده دارایی‌ها بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی در سطح ۵ درصد خطا معنی‌دار است، در حالی که متغیر وضعیت مالیاتی در سطح ۱۰ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. براساس این خروجی مدل لجیت را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد.

$$\ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right) = -0.653 - 0.892(T)_{it} + 7.938(ROA)_{it}$$

تعبیر مدل لجیت به این صورت است که β_i میزان تغییر در لگاریتم نسبت برتری را به ازای یک واحد تغییر در متغیر اندازه‌گیری می‌کند. بر طبق مدل رگرسیون به ازای یک واحد تغییر در وضعیت مالیات، با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، لگاریتم نسبت برتری به میزان ۰/۸۹۲ در جهت عکس آن تغییر می‌کند. این در حالی است که به ازای یک واحد تغییر در نسبت بازده دارایی‌ها، با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، لگاریتم نسبت برتری به میزان ۷/۹۳۸ همان جهت تغییر می‌کند.

به‌طور کلی نتایج بررسی ضرایب جزئی مدل‌های ارائه شده در مرحله اول و آخر، نشان‌دهنده این است که فرضیه‌های این پژوهش، که به ترتیب رابطه بین نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی را مورد آزمون قرار می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، که بطور خلاصه در جدول‌های ۲ تا ۵ ارائه شده، نشان‌دهنده این است که بین بازده نسبت به دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. هرچند توجه به این نکته حائز اهمیت است که رابطه نسبت بازده دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی به ترتیب رابطه‌ای مثبت و منفی است. ضریب منفی وضعیت مالیاتی بیانگر رابطه منفی آن با سیاست تقلیلی است، بدین مفهوم که شرکت‌های دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، به برگه تشخیص مالیاتی اداره دارایی اعتراض نموده‌اند. ضریب مثبت نسبت بازده دارایی‌ها بیانگر رابطه مثبت آن با سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی است، یعنی شرکت‌

جدول ۵- ضرایب جزئی به دست آمده در الگوی مرحله آخر

آماره‌های الگو	مقدار ثابت	ROA	وضعیت مالیات
ضریب	-۰/۶۵۳	۷/۹۳۸	-۰/۸۹۲
آماره والد	۲/۴۵۲	۷/۴۱۴	۳/۵۸۵
معناداری	۰/۱۱۷	۰/۰۰۶	۰/۰۵۸
نسبت شانس	۰/۵۲۱	۲۸۰۲/۷۹۶	۰/۴۱

که انواع تصمیمات مالی و مالیاتی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند بر سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیرگذار باشند. بدین صورت که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری، اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات

۷- نتیجه‌گیری و بحث

مالیات بیانگر هزینه‌های با اهمیت برای شرکت‌ها است و به‌طور کلی و عمومی انتظار می‌رود که مدیران اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی را در پیش گیرند. هیأت مدیره شرکت به عنوان مهم‌ترین رکن شرکت

بالایی از اعضای خارجی در هیأت مدیران، احتمال رفتارهای تقلیل دهنده مالیاتی را کاهش می‌دهد، در این پژوهش وجود رابطه بین نسبت اعضای موظف هیأت مدیره با سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی را رد می‌نماید

به عبارتی نتایج پژوهش، این استدلال که هزینه‌های مالیاتی منجر به فعالیت‌های تقلیل دهنده و کاهش دهنده مالیات، به خصوص اقداماتی که ناشی از مشکلات نمایندگی است را در بورس اوراق بهادار تهران رد می‌نماید. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره تأثیر معناداری بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی ندارد. اما این درحالی است که وضعیت مالیاتی و نسبت بازده دارایی‌ها به ترتیب رابطه‌ای منفی و مثبت با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی دارند.

از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام سهامداران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی تقلیل دهنده از جمله خط مشی‌هایی است که در ارزیابی عملکرد مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد.

طبق تئوری نمایندگی، از آنجا که مدیریت همواره بدنبال منافع خود و حداکثر سازی آن است و الزاماً در جهت منافع سهامداران و دولت نیست، لذا ممکن است در حوزه مالیاتی با اتخاذ سیاستی تقلیل دهنده خاص مبادرت به ایجاد هزینه‌هایی برای سهامداران نماید.

پرداختی می‌نمایند. به منظور بررسی تجربی این امر در بورس اوراق بهادار تهران برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر سیاست تقلیل دهنده مالیاتی بررسی گردید.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، که بطور خلاصه در جدول‌های ۲ تا ۵ ارائه شده، نشان دهنده این است که بین بازده نسبت به دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل دهنده مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. هرچند توجه به این نکته حائز اهمیت است که رابطه نسبت بازده دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با استفاده از سیاست‌های تقلیل دهنده مالیاتی به ترتیب رابطه‌ای مثبت و منفی است. ضریب منفی وضعیت مالیاتی بیانگر رابطه منفی آن با سیاست تقلیلی است، بدین مفهوم که شرکت‌های دارای سیاست تقلیل دهنده مالیاتی، به برگه تشخیص مالیاتی اداره دارایی اعتراض نموده‌اند. ضریب مثبت نسبت بازده دارایی‌ها بیانگر رابطه مثبت آن با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی است، یعنی شرکت‌های دارای سیاست تقلیل دهنده مالیاتی، نسبت بازده دارایی بالاتری دارند.

به‌طور کلی نتایج بررسی ضرایب جزئی مدل‌های ارائه شده در مرحله اول و آخر، نشان دهنده این است که فرضیه‌های این پژوهش، که به ترتیب رابطه بین نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی را مورد آزمون قرار می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. به عبارتی نسبت اعضای موظف هیأت مدیره، نسبت تغییرات رئیس هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی تأثیر معناداری ندارد.

به عبارتی بر خلاف پژوهش لنیس و ریچاردسون^{۱۸} (۲۰۱۱) که بیان می‌نماید وجود نسبت

- * Garbarino, Carlo (2008), Aggressive Tax Strategies and Corporate Tax Governance: An Institutional Approach, Working Paper, SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1428772>.
- * Lanis, R, and G. Richardson. (2011), Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1904002>.
- * Lanis, R, and G. Richardson. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy* 30 (1): 50-70.
- * Osemekwe, Louis (2011), The Study of the Effect of Role of Board of Director Characteristics on Corporate Social Responsibility of Public Listed Company in Nigeria, Working Paper, SSRN <http://ssrn.com/abstract=1972954>.
- * Peng, C, Lee, K and Ingersoll, G. M (2002). An Introduction to Logistic Regression Analysis and Reporting. *The Journal of Educational Research*. pp 3-14.
- * Steijver, Tensie, and Niskanen, Mervi (2011), Tax Aggressive Behaviour in Private Family Firms-The Effect of the CEO and Board of Directors. Available at: <http://ssrn.com/abstract=1937651>.

با توجه به مبانی نظری و یافته‌های آزمون فرضیه-های پژوهش به استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی پیشنهاد می‌شود، برای تشخیص بکار بردن سیاست-های تقلیل‌دهنده مالیاتی توسط مدیریت، از ویژگی-های حاکمیت شرکتی صرفاً به تنهایی استفاده نشود و سایر متغیرهای اثرگذار همچون وضعیت مالیاتی و نوع گزارش حسابرس مستقل و بازده دارایی‌ها نیز در نظر گرفته شود.

به پژوهشگران توصیه می‌شود این پژوهش را با در نظر گرفتن سایر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی مورد آزمون قرا دهند. همچنین تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با سیاست‌های نقدی تقلیل‌دهنده مالیاتی مورد آزمون قرار گیرد و در آخر مقایسه‌ای میان تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر سیاست‌های نقدی و تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی صورت گیرد.

فهرست منابع

- * باباجانی، جعفر و مجید عبدی (۱۳۸۹)، "رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت-ها"
- * مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم شماره سوم، ۸۶-۶۵.
- * Armstrong, C.S., J.L. Blouin, and D.F. Larcker. (2010). The incentives for tax planning. Working Paper, SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1416422>.
- * Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, and T. Shevlin. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics* 95: 41-61.
- * Desai, M.A., and D. Dharmapala. (2006)a. Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics* 79: 145-179.
- * Dyreng, S.D., M. Hanlon, and E.L. Maydew. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review* 83 (1): 61-82.

یادداشت‌ها

- ¹Desai. and. Dharmapala
- ²Dyreng, Hanlon. and Maydew
- ³Armstrong, Blouin, and. Larcker.
- ⁴Lanis, and Richardson.
- ⁵Lanis, R, and G. Richardson
- ⁶Lanis, R, and G. Richardson
- ⁷Cox & Snell R Square
- ⁸Negelkerke R Square
- ⁹Peng
- ¹⁰Exe Board
- ¹¹Board Change
- ¹²Duality-Chairman
- ¹³Opinion
- ¹⁴Tax
- ¹⁵Type Owne
- ¹⁶Tax Aggressiveness policies
- ¹⁷Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, and. Shevlin
- ¹⁸Lanis, R, and G. Richardson